

# هو الله - ای بنده در گاه الهی آنچه از خامه محبت الله...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۶۱

## هو الله

ای بنده در گاه الهی آنچه از خامه محبت الله جاری قرائت گردید و از مضامینش معانی دلنشین ادراک گردید. امید از موهبت رب مجید چنان است که در کل احیان بنفحات رحمن زنده و تر و تازه باشید. در خصوص مسئله تناسخ مرقوم نموده بودید این اعتقاد تناسخ از عقائد قدیمه اکثر امم و ملل است حتی فلاسفه یونان و حکمای رومان و مصریان قدیم و آثوریان عظیم. ولکن در نزد حق جمیع این اقوال و اوهام مزخرف. و برهان اعظم تناسخیان این بود که مقتضای عدل الهی این است که اعطای کل ذی حق حقه شود. حال هر انسان بیلائی مبتلا شود گوئیم که کوتاهی نموده است. ولکن طفلی که هنوز در رحم مادر است و نطفه اش تازه انعقاد گردیده است و کور و کر و شل و ناقص انخلقه است آیا چه گاهی نموده است که بچنین جزائی گرفتار شده است پس این طفل اگر چه بظاهر در رحم مادر خطائی نموده و لکن پیش از این در قالب اول جرمی کرده که مستوجب چنین جزائی شده.

ولی این نفوس در این نکته غافل گشته اند که اگر خلقت بر یک منوال بود قدرت محیطه چگونه نمودار میشد و حق چگونه یفعل مایشاء و یحکم ما یرید میگشت. باری ذکر رجعت در کتب الهی مذکور و این مقصد رجوع



ORIGINAL



AUDIO

شئون و آثار و کمالات و حقائق انوار است که در هر کور عود مینماید نه مقصد اشخاص و ارواح مخصوصه است مثلاً گفته میشود که این سراج دیشب عود نموده است. و یا آنکه گل پاری امسال باز در گلستان رجوع کرده است. در این مقام مقصود حقیقت شخصیه و عین ثابته و کینونت مخصوصه آن نیست. بلکه مراد آن شئون و مراتبی است که در آن سراج و در آن گل موجود بود حال در این سراج و گل مشهود.

یعنی آن کمالات و فضائل و مواهب ربیع سابق در بهار لاحق عود نموده است. مثلاً این ثمر همان ثمر سال گذشته است. در این مقام نظر بلطافت و طراوت و نضارت و حلاوت آن ثمره است. و الا البته آن حقیقت میعه و عین مخصوصه رجوع نموده آیا از یکمرتبه وجود در این عرصه شهود اولیای الهی چه نعمتی و راحتی دیدند که متصلاً عود و رجوع و تکرر خواهند. آیا یکمرتبه این مصائب و بلایا و رزایا و صدمات و مشکلات کفایت نمیکند که مکرر این وجود را در این عالم خواهند. این کأس چندان حلاوتی نداشته که آرزوی تنابع و تکرر شود پس دوستان جمال ابهی ثوابی و اجری جز مقام مشاهده و لقا در ملکوت ابهی نجویند و جز بادیه تمنای وصول برفرف اعلی نپویند نعمت باقیه خواهند و موهبت سرمدیه که مقدس از ادراک امکانیه است چه که چون ببصر حدید نظر فرمائی جمیع بشر در این عالم ترابی معذبند مستریحی نه تا ثواب اعمال سیآت مکرر سابق بیند و خوشحالی نیست که ثمره ای مشقات ماضیه چیند و اگر حیات انسانی بوجود روحانی محصور در زندگانی دنیوی بود ایجاد چه ثمره داشت بلکه الوهیت چه آثار و نتیجه میبخشید بلکه موجودات و ممکنات و عالم مکونات کل مهمل بود استغفر الله عن هذا التصور و الخطاء العظیم

همچنانکه ثمرات و نتایج حیات رحمی در آن عالم تنگ و تاریک مفقود و چون انتقال باین عالم وسیع نماید فوائد نشو و نمای آن عالم واضح و مشهود میگردد بهمچنین ثواب و عقاب و نعیم و بحیم و مکافات و مجازات اعمال و افعال انسان در این نشاه حاضره در نشاه اخرای عالم بعد از این مشهود و معلوم میگردد. و همچنانکه اگر نشاه و حیات رحمی محصور در همان عالم رحم بود حیات و وجود عالم رحمی مهمل و نامربوط میگشت. بهمچنین اگر حیات این عالم و اعمال و افعال و ثمراتش در عالم دیگر نشود بکلی مهمل و غیر معقول است. پس بدان که حق را عوالم غیبی هست که افکار انسانی از ادراکش عاجز است و عقول بشری از تصورش قاصر. چون مشام روحانی را از هر رطوبت امکانی پاک و مطهر فرمائی نفعات قدس حدائق رحمانیه آن عوالم بمشام رسد. و البهائ علیک و علی کل ناظر و متوجه الی الملکوت الأبهی الذی قدسه الله عن ادراک الغافلین و أبصار المتکبرین (عبدالبهاء عباس)

